

احمدضیاً صدیقی سپهر:

وضع دهشتناک اقتصادی-اجتماعی کشور و برخی طرحها و دیدگاههای "نهضت آینده افغانستان" در مورد تغییر وضعیت کنونی و تسریع روند بازسازی جامعه افغانی

بخش دوم

دیدگاهها، نظریات و طرحهای ما در مورد

انکشاف اقتصادی کشور

وضع موجود هشدارریست به همه نیروهای مردمی، دموکرات و ترقیخواه که تا هنوز سکوت و نظارتگری نموده اند و سرنوشت خلقهای محروم و زحمتکش کشور را به دست بنیادگرایان مذهبی، سران جهادی و حاکمان خارجی سپرده اند

ما برآنیم که مرامنامه جدید مصوب کنفرانس سراسری مورخ ۲۳ جون ۲۰۰۷ (نهضت آینده افغانستان) که به گونه یی تلفیقی از اهداف نهایت غایی، وظایف استراتژییک مرحله یی و برنامه مقطعی جنبش چپ دموکراتیک و ترقیخواه کشور در آن بازتاب یافته است و به صورت شفاف خطوط اساسی دورنمای جنبش دگرگونساز و دادگستر

دموکراتیک کشور را ارایه میدارد، میتواند مبنای مبارزاتی نیروهای چپ دموکراتیک و ترقیخواه کشور قرار گیرد.

چشمداشت ما از همه نیروهای دموکرات، مردمی و ترقیخواه کشور که علاقه مند جدی تداوم مبارزه دادخواهانه و رهاییبخش به نفع انسان مظلوم و زحمتکش اند، این است که طرحها، پیشنهادهای و اصول مرامی ارایه شده ما را در عرصه های اقتصادی-اجتماعی به حیث زمینه های بحث و تبادل نظر مورد استفاده قرار دهند و در تدوین اهداف و وظایف استراتژیک و تاکتیکی یک سازمان بزرگ سیاسی سراسری نیرومند چپ دموکراتیک و ترقیخواه از آن استفاده نمایند تا باشد به صورت مؤثر از حقوق و منافع زحمتکشان کشور دفاع به عمل آید.

در شرایط پیچیده کنونی اساسی ترین سوالی که در برابر نیروهای چپ دموکراتیک ملی، مترقی و دادخواه کشور قرار دارد این است که، چگونه وضع موجود را به سود زحمتکشان تغییر باید داد؟

دریافت پاسخ دقیق، ایجاب بحث سازنده و مسؤولانه یی را مینماید. اجازه فرمایید تا برای بازکردن بحث پیرامون اهداف، وظایف، راهها و وسایل مبارزاتی جنبش چپ و دموکراتیک ملی جامعه افغانی در عرصه انکشاف اقتصادی-اجتماعی کشور به صورت موجز برخی طرحها، دیدگاهها نظریه ها و ابزاری را که در اصول مرامی (نهضت آینده افغانستان) تبلور یافته ارایه بداریم.

با توجه به نیروی کار مستعد، استعدادهای طبیعی، زمینهای وسیع زراعتی، منابع زیرزمینی شناسایی شده و نا شناسایی شده و موقعیت جغرافیایی افغانستان و رشد سریع دستاوردهای علوم و تخنیک در سطح جهانی، باور داریم، که چنانچه صلح پایدار در کشور استقرار یابد و حاکمیت واقعی مردم برقرار گردد، افغانستان میتواند به اسرع وقت به کشور آباد، انکشاف یافته، مترقی و سربلند تبدیل و رفاه و آسوده گی مردم آن تأمین و تضمین گردد.

در وضعیت موجود که در کشور ما، سطح پایین رشد نیروهای مولد، ساختار ناقص اقتصادی، سیستم اقتصادی- اجتماعی پیچیده، میزان نازل بازدهی کار و مولدیت از جمله ویژه گیهای اساسی اقتصادی آن به شمار میرود و از جهت ساختار اقتصادی، مرکب از اقتصاد چند شیوه یی (طبیعی، خرده کالایی، نیمه فیودالی، فیودالی و بورژوازی تجاری) و فاقد سیستم مؤثر تولیدیست، گزینش راه انکشاف و ترقی اجتماعی و انتخاب روشها و پرنسیپهای اقتصادی با اهمیت ترین مسأله بیست که در برابر جامعه ما قرار دارد.

ارزیابی و نتیجه گیری ما از وضع کنونی کشور این است، که عقبمانده گی دیرین، توسعه نیافته گی، فقر و محرومیت و انواع ستم به ویژه ستم طبقاتی، نابرابری، بیعدالتی و ظلم مظاهر روشن تسلط مناسبات عقبمانده قرون وسطایی اقتصادی- اجتماعی بوده، بدون دگرگون ساختن این مناسبات و متحول گردانیدن زیرساختهای اقتصادی به سود زحمتکشان، رهایی انسان زحمتکش، رفاه و ترقی اجتماعی، انکشاف، رشد و توسعه اقتصادی جامعه افغانی مقدور نیست.

سیاستهای اقتصادی که به وسیله دولت موجود در افغانستان عملی میگردد طی ششسال گذشته به وضاحت نشان داد که در کشور بی نهایت عقبمانده، دارای اقتصاد ورشکسته با پایین ترین سطح عاید ملی و مردم در فقر نشسته با حجم وسیع تخریبات سه دهه جنگ تحمیلی، نمیتوان تنها با گزینش "مدل نظام اقتصاد بازار آزاد" و پذیرفتن پرنسیپها و منطق اقتصادی ساختاری آن، به تحقق اهداف و وظایف مرحله جاری دست یافت و نیازمندیهای اساسی جامعه را تأمین نمود.

تجربه ششسال فعالیت اقتصادی در کشور زیر شعار "اقتصاد بازار آزاد" گواه بر این است که رها کردن سرنوشت ملیونها انسان به دست اراده بازار آزاد، از این دیدگاه پیامدی جز استقرار فاجعه آمیز سرمایه داری بی بند و بار و غارت دارایی و ثروت مردم و ورشکسته گی تولیدات ملی، چیزی دیگری نخواهد در پی داشت.

از دید ما در گزینش نظام اقتصادی- اجتماعی کشور، رجحان منافع زحمتکشان جامعه افغانی یک اصل انصراف ناپذیر شمرده میشود. با ایستاده گی به همین اصل، و

بدر نظر داشت سطح نازل رشد نیروهای مولد موجود کشور، برای تحقق اهداف و وظایف اقتصادی- اجتماعی این مرحله تکامل تاریخی جامعه افغانی، ما سیستم اقتصاد مختلط یا "راه وسطی" را که ترکیبی از عناصر سیستم بازار آزاد و پلانگذاری مرکزی اند و میتواند در وضعیت موجود کارآیی بهتر و موثر تر اقتصادی داشته باشد برگزیدهیم. زیرا در چنین سیستم اقتصادی به صورت نسبی منافع تمام اقشار و طبقات اجتماعی کشور در نظر گرفته میشود، انسجام اقتصادی، تامین و تحکیم حاکمیت ملی و اقتصاد ملی و فراهم نمودن زمینه های عینی برای بیرون رفت از بحران کنونی و رشد سریع نیروهای مولده نسبت به سایر مدل های اقتصادی میسر میگردد.

این که عناصر کدام یک از سیستم های اساسی در این نظام مختلط اقتصادی- اجتماعی زیادتر نفوذ خواهد داشت مربوط به عوامل سیاسی و ترکیب اجتماعی- طبقاتی نیروهای حاکم، میلانهای در درون نظام سیاسی و چگونه گی اساسات تولید و درجه رشد نیروهای مولد و مراکز تولیدی میباشد.

با درک اینکه تعیین سیاست اقتصادی در شکل گیری پروسه های اقتصادی و رشد آتی آن از اهمیت خاصی برخوردار میباشد، باید از چنان سیاست اقتصادی حمایت گردد که هدف آن، ارتقای سطح زنده گی مردم، تأمین آهنگ رشد با ثبات و متوازن در تمام عرصه های اقتصاد ملی بوده، دارای دورنمای روشن انکشافی و رفاه همه گانی باشد.

از دید ما به منظور تأمین و رشد سریع نیروهای مولد، ایجاد زیرساخت های اقتصادی و تأمین انکشاف متوازن و باثبات اقتصادی، باید از منابع و سرمایه های ملی و کلیه ریزرفها و امکانات بهره گیری و استفاده مؤثر بعمل آید و استراتژی برنامه اقتصادی - اجتماعی برای اجرای وظایف مقطعی مرحله جاری بر پایه سکتورهای دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط استوار گردد.

با در نظر داشت اینکه، تحول و ستمدهی ساختارهای پایه یی نظام اقتصادی - اجتماعی در مسیر رشد و انکشاف متوازن، مزید بر تقویت و بهره گیری مؤثر از

سکتور خصوصی مستلزم توسعه، تحکیم و گسترش مالکیت‌های دولتی و تعاونی نیز میباشد، باید از اقتصاد دولتی و تعاونی حمایت به عمل آید، نه باید حمایت از توسعه و گسترش سکتور دولتی و تعاونی به معنای کم بها دادن به سایر سکتورهای (خصوصی و مختلط) شامل در هرم اقتصاد ملی تلقی گردد. هر گونه بر خورد قشری به نقش سکتور دولتی و مطلق کردن وظیفه آن به عنوان سرمایه گذار و هدایت کننده مطلق بدون توجه به درجه رشد و میزان عقب مانده گی دیرین ساختاری و توسعه نیافته گی می تواند اثرات نا مطلوب در اقتصاد ملی از خود به جا گذارد، در این مرحله، انعطاف پذیری در تدوین برنامه های اقتصادی - اجتماعی امر کاملاً ضروری پنداشته میشود و مصونیت قانونی ملکیت، اعم از دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط ضمانت مهم پیشرفت و ثبات اقتصادی این مرحله به شمار میرود.

مسأله مالکیت بر وسایل تولید بنیادی ترین مسأله اقتصادی در تمام جوامع است. این مسأله کلید بهره کشی از انسان و تمام مطالب دیگر اجتماعی را به دست میدهد. تا زمانی که تمام ثروت اجتماعی در اختیار تمام جامعه قرار نگیرد، نمیتوان از انکشاف همه جانبه انسان سخن راند. بناً اجتماعی ساختن کامل ثروت و قدرت به مثابه اهداف نهایی غایی به حیث پیش شرط برای ایجاد یک جامعه عادلانه انسانی فارغ از استثمار انسان به وسیله انسان برای تمام کسانی که به خاطر ایجاد چنین جامعه تلاش میورزند مطرح است.

به پندار ما، جبران عقب مانده گی دیرین تاریخی اقتصادی - اجتماعی افغانستان مقدم از همه مستلزم آن است که پروسه انباشت سرمایه کل اقتصاد ملی و سرمایه گذاری های جدید در خدمت این امر قرار گیرد و در مسیر رفع این عقب مانده گی سوق گردد و تمام سکتورهای شامل در دایره اقتصاد ملی کشور بر بنیاد بر نامه علماً تنظیم شده و استراتژیی که دارای دورنمای روشن انکشافی و رفاه همگانی باشد به صورت بهم پیوسته یی در جهت رفع عقب مانده گی، تأمین استقلال اقتصادی کشور، رشد نیرو های مولده، توسعه و انکشاف متوازن، ترقی اجتماعی بهبود و ارتقای مستمر سطح زنده گی مردم به ویژه زحمتکشان کشور هدایت گردد.

از دیدگاه ما در این مرحله رشد اقتصادی باید انحصار و مالکیت دولت بر منابع زیر زمینی، معادن، منابع اساسی انرژی، جنگلات، علفچرها، منابع آبی، بنادر، خطوط مواصلاتی اعم از هوایی و زمینی، تأمین گردد و از توسعه و گسترش سرمایه گذاریهای دولتی در بخشهای اساسی زیربنایی، بهداشت، تعلیم و تربیه، آموزش و پرورش و امور مربوط به زیست محیطی. حمایت به عمل آید.

سکتور معادن و صنایع به عنوان زیر بنای اقتصادی، نیازمند جدی حمایت مسؤلانۀ دولت است، توسعه و انکشاف این سکتور نسبت نبود توانایی لازم مادی و بشری و کمبود سرمایه داخلی مستلزم جلب و به کارگیری منابع بیرونی میباشد. باید از سرمایه گذاریهای موثر اقتصادی در این بخش حمایت گردد.

ما از همه اقداماتی مؤثر، که در جهت توسعه، انکشاف و گسترش صنایع ملی کشور در این مرحله تحول ساختاری اقتصادی صورت میگیرد حمایت می نمایم. باید زمینه های لازم برای ایجاد، رشد و پاگیری صنایع تولیدی فراهم گردد و موانع از سر راه آن برچیده شود.

نباید اجازه داد تا زیر شعار "خصوصی سازی" ضربه اساسی بر صنایع تولیدی کشور وارد گردد انتقال تصدیهای تولیدی دولتی به سکتور خصوصی در شرایط و وضعیت کنونی با در نظر داشت ماهیت سودجویانه و غارتگرانه نظام حاکم پی آمدی جز نابودی این موسسات و سیاه روزی کارگران چیزی دیگری ندارد.

ما برآنیم که: نباید با متشبثین تولیدی و صنایع خصوصی نوپای کشور بر خورد تعصب آمیز به عمل آید. متشبثین تولیدی و خدماتی در تکوین و تحکیم اقتصاد ملی یکی از موتورهای اصلی رشد صنایع به شمار میروند، این بخش با به کارگیری سرمایه خود و جذب مشارکت سرمایه های غیر دولتی و استفاده از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارساز، آگاه و مؤثرمی تواند ضمن ایفا نقش خود در رشد اقتصاد صنعتی کشور، راه رسیدن به اهداف توسعه یی و انکشافی مرحله کنونی را کوتاه سازد. رشد و پاگیری صنایع داخلی به گسترش و قوام بورژوازی صنعتی از یک سو و طبقۀ کارگر صنعتی از سوی دیگر می انجامد.

ما از صنعتکاران حمایت همه جانبه بعمل می آورد و بمنظور بهبود، توسعه و انکشاف صنایع مستظرفه، صنایع دستی و پیشه وری، خواهان اتخاذ تدابیر مؤثر تشویقی و حمایتی از جانب دولت میباشد.

در عرصه مالی ما خواهان رفورم مترقی و عادلانه مالیات به سود زحمتکشان هستیم و وضع مالیات مترقی و متصاعد را وسیله مؤثر در امر کاهش شگاف بین فقر و ثروت می پندارد و از نظام بودجوی مبتنی بر افزایش منابع عایداتی داخلی و کاهش وابسته گی به وامها و امدادهای خارجی حمایت می نمایم. نباید اجازه داد که بار پرداخت قرضه های اسارت آور خارجی کمر مردم مظلوم ما را بشکنند.

ما خواهان مدرنیزه نمودن سیستم بانکی و توسعه خدمات بانکی بوده از تأسیس بانکهای انکشافی، زراعتی، تعاونی و کریدتی که هدف آن کمک به مؤلدین و پرداخت وامهای کوچک کم ربح به زارعین، روستایی ها و فقرا باشد حمایت مینمایم.

در ارتباط به تعیین پالیسی و سیاست تجارت خارجی از چنان سیاست پشتیبانی می نمایم که متضمن توسعه و انکشاف تولیدات ملی، تزئید حجم صادرات، تعویض کالاهای وارداتی به تولیدات داخلی، تأمین تعادل بیلانس کل تجارتي کشور و تسريع دوران پولی گردد. در شرایط موجود به منظور تأمین به موقع کالا های مورد نیاز عامه و مواد خام مؤسسات تولیدی داخلی و جلوگیری از ورد اجناس غیر ضروری و مشابه تولیدات داخلی، باید با نظام تعرفه یی از تولید کننده های داخلی حمایت به عمل آید و به این منظور سیستم ویژه تعرفه یی حمایتی ایجاد گردد.

ارزیابی ما این است که، در وضعیت کنونی جهانی که تمرکز قدرت اقتصادی در سطح جهان در سازمانهای چون گروه هشت، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان جهانی تجارت و غیره ، دور از ساحه نفوذ شهروندان قرار دارد، انکشاف سرمایه داری تمام روند های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را فرا گرفته و کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری در مقیاس جهانی از مواضع مستحکم تر بهره مند میگردند، نمیتوان انتظار آنرا داشت که تصامیم و اقدامات سازمان تجارت جهانی به

نفع کشورهای در حال توسعه و فقیر تمام گردد. زیرا به وجود آمدن ارکان پر قدرت مالی - تجارتي که اجرا کننده گان سیاستهای مالی انحصار های فراملی در ابعاد جهانی اند، عمدتاً به هدف خارج کردن مراکز مهم تصمیم گیری جهانی از دست دولت ها و انتقال مستقیم آن به انحصار های سرمایه داری فراملی صورت گرفته است.

به باور ما تجارت جهانی میتواند یکی از عوامل رشد اقتصادی و بازدارنده فقر در کشور باشد ولی باز گذاشتن دروازه های کشور بدون اتخاذ تدابیر حمایه یی تولیدات ملی در حکم نابودی تولیدات داخلی است.

ما چنین میپنداریم که: اتخاذ سیاست واحد تجارتي و مالی در برابر کلیه عرضه کننده گان کالا های تولیدی داخلی و خارجی در شرایطی که تولیدات داخلی حداقل قدرت رقابت را از نظر کیفی و کمی در برابر محصولات وارداتی خارجی ندارند چیزی جز تبدیل کشور به یک جامعه مصرفی نیست.

به باور ما ایجاد تسهیلات ترانزیتی، برای افغانستان به حیث کشور محاط به خشکه از اهمیتی خاصی برخوردار است، فعال شدن و اعمار شاهراه های ترانزیتی و عبور شاه لوله های نفت و گاز از خاک کشور نی تنها برای افغانستان بلکه برای کشورهای آسیای میانه هم، مفیدیت اقتصادی را دارا بوده این کشورها را از زیر فشار محدودیت راه های ترانزیتی تا اندازه فارغ می سازد. "نهضت آینده افغانستان" در این مورد منافع ملی کشور را رجحان داده و از اصل استفاده مؤثر از موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی کشور به سود مردم افغانستان حمایت می نمایم .

ما طرفدار همکاریهای اقتصادی منطقه یی میباشیم، ولی تذکار میدهیم که در وضعیت کنونی جهانی که سازمانهای پر قدرت مالی و تجارتي به هدف اجرای سیاستهای اقتصادی انحصار های غول پیکر فراملی در ابعاد جهانی و خارج کردن مراکز مهم تصمیم گیری جهانی از دست دولتها و انتقال مستقیم آن به انحصار های سرمایه داری فراملی، ایجاد گردیده و بر اقتصاد جهانی مسلط میگردند، سازمانهای منطقه یی که به هدف تأمین همکاریهای اقتصادی میان کشورهای منطقه به وجود

آمده است نمیتوانند از دایره سیاستها و عملکردهای نهادهای پرقدرت جهانی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر سازمانهای بین المللی بی تأثیر بمانند. بناً نمیتوان به موفقیت و نتایج عملکردهای سازمانهای منطقه یی به نفع کشورهای عضو بسیار خوشبین بود. اما تصور ما این است که، وابسته گی روز افزون اقتصاد کشورهای آسیایی به بازار چین و کاهش وابسته گی آنان به بازار آمریکا پدیده نوین است که در آینده نزدیک تاثیرات شگرفی را بر صف آرای نیروهای سیاسی در جهان به ویژه منطقه ما باقی خواهد گذاشت بناً، افغانستان با موقعیت مهم استراتژیک و مرکزیت موجود خود میتواند مقام شایسته و با اهمیتی را در تمام همکاری های بزرگ اقتصادی در منطقه احراز بدارد و در صورت اتخاذ سیاستهای واقعبینانه و مستقل ملی، نقش افغانستان در سازمانهای منطقه یی به مثابه نقطه اتصال آسیای میانه و آسیای جنوبی جهت رشد همکاریهای اقتصادی در منطقه برجسته خواهد بود.

تأمین روابط اقتصادی مفید، باثبات و پایدار منطقه یی که تمامی کشورهای عضو در آن بتوانند نقش موثر داشته باشند یک دید بسیار وسیع قابل حمایت و ترغیب است، ولی تحقق این امر بیشتر مربوط میگردد بر موجودیت دولتهای مشروع، مردمی، با ثبات و مستقل که بر بنیاد اراده مردمان کشورهای عضو بمیان آمده باشد.

بخش زراعت یکی از عرصه های مهم و نهایت با اهمیت برای ما تلقی میگردد، با یک دید ساده در می یابیم که، دهقانان کثیرالعدده ترین طبقه را در ترکیب اجتماعی کشور تشکیل داده است و نقش اساسی را در فعالیتهای اقتصادی جامعه افغانی ایفا مینمایند. بیشتر از هشتاد درصد نفوس مستعد به کار در بخش زراعت مصروف بوده این سکتور سهم عمده را در تولید ناخالص ملی کشور دارد.

اختصاص بخش قابل ملاحظه زمین زراعتی برای کشت و تولید محصولات افیونی که بالاترین رقم را در تولید و درآمد ملی دارد به اهمیت این عرصه افزوده است.

بدر نظر داشت اینکه " در افغانستان زمین عمده ترین وسیله تولید است"، و نقش اساسی و پایه‌ی را در اقتصاد ملی کشور دارد، حل مسأله زمین و دهقان به حیث یک موضوع با اهمیت و حیاتی در مجموع جامعه برای ما مطرح است، باور ما این است که بدون انجام رفورم مترقی زراعتی و حل بنیادی مسأله زمین و آب به سود مؤلذین مستقیم، انکشاف مستمر اقتصادی و بهبود زنده گی دهقانان بی زمین و کم زمین میسر نیست .

ما از تدابیر و اقداماتی که در جهت بسیج کشاورزان و مالداران کشور، ارتقای سطح آگاهی و تنویر اذهان آنها در استفاده از روشهای جدید علمی زراعتی و به کارگیری اگروتخنیک به هدف میکانیزه کردن زراعت، ازدیاد سطح محصولات و تولیدات زراعتی و مالداری، ارتقا سطح بازدهی فی واحد زمین و بهبود شرایط کار و زنده گی آنها اتخاذ گردد حمایت مینماید

ما از توسعه، گسترش و انکشاف جنبش کوپراتیوی در کشور پشتیبانی و حمایت نموده کار و مبارزه خسته گی ناپذیر در این زمینه را در سرخط وظایف خود قرار میدهیم.

به باور ما تشکل و سازمانیابی تهی دستان، بر پایه اصل تعاون و ایجاد سازمانهای کوپراتیوی که عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی را فرا گیرد در تسریع آهنگ اقتصادی - اجتماعی و بهبود زنده گی زحمتکشان کشور میتواند نقش مؤثر را ایفا بدارد.

ما عقیده داریم که در این مرحله تکامل اقتصادی - اجتماعی کشور، سازمانهای کوپراتیوی زراعتی در بسیج و سازمانیابی توده های وسیع روستایی ها به ویژه لایه های متوسط و پایینی روستا ها که دارای درآمد اندک اند و توانایی برآوردن هزینه زنده گی خویش را ندارند کارآیی بهتر را نسبت به سایر نهاد های اجتماعی - اقتصادی میتواند داشته باشد. کوپراتیوهای زراعتی وسیله مؤثر برای رسیدن به شکل نوین کار جمعی، اجتماعی کردن تدریجی ابزار عمده تولید و میکانیزه ساختن کشاورزی است. کوپراتیوهای تولیدی و خدماتی امکان افزایش کمی و کیفی محصولات زراعتی، ارتقا

در آمد ملی، توسعه بازار داخلی و بهبود شرایط زنده گی اکثریت زارعین را به وجود می آورد و نقش به سزایی را در ایجاد و پانگیری مناسبات تولیدی جدید و مترقی ایفا مینماید. با آنکه زارعین کشور بر اساس اندازه ملکیت و موقف شان به اقشار مختلف تقسیم گردیده اند و مانند طبقه کارگر دارای منافع طبقاتی واحد نیستند ولی تعاونی کردن زراعت، زارعین میانه حال و فقیر را از رقابت زمین داران بزرگ نجات داده موجب حذف تولید کوچک، ایجاد تولید بزرگ، میکانیزه کردن زراعت، ارتقای سطح بازدهی فی واحد زمین، ازدیاد اندازه درآمد زارعین میگردد.

جنگلات بخشی از ثروت ملی ما را تشکیل میدهد، طی سالهای اخیر به این بخش صدمه شدید وارد گردیده ما از اقداماتی که هدف آن احیا، توسعه، حفاظت و استفاده معقول اقتصادی از جنگلات کشور باشد حمایت مینماید.

مبارزه علیه، ترویج، تولید، پروسس و ترافیک مواد مخدر از اهمیت خاصی برای ما برخوردار است، موفقیت مبارزه در این زمینه مستلزم مشارکت مستقیم و آگاهانه زارعان به ویژه دهقانان کم زمین و بی زمین است. ایجاب مینماید تا چنان برنامه در زمینه تدوین و تطبیق گردد که متضمن رهایی زارعین کشور از وابسته گی به جلا بها، کارتلها و اتحادیه های مواد مخدر بوده باعث ایجاد بدیل معیشتی زارعان و بهبود وضع اقتصادی آنان گردد.

(ادامه دارد)

www.ayenda.org